



دزد سر خود پَر دارد

چند روز قبل شخصی مربوط به حزب منحلۀ خ- پ در صفحۀ نظریات وبسایت آریانا افغانستان آنلاین چند سطری که واضحاً نمایندگی از تمایلش به حزب منحلۀ فوق الذکر می کرد، نوشت و عکس های منفورترین شخص که چه در زمان ریاست خاد و چه بعد از آن باعث از قتل و کشتار هزاران هزار افغان بیگناه گردید نیز به نشر رسید. با تأسف نه از جانب نویسندگان محترم سایت مذکور مورد انتقاد قرار گرفت و نه هم گردانندگان وبسایت آریانا افغانستان آنلاین از نشر آن جلوگیری نمودند.

اینجانب با دیدن عکس آن جنایتکارِ ددمنش و قاتل هزاران افغان سطری چند نوشتم تا باشد که از تکرار آن جلوگیری شود و هم از نویسندگان ملی وبسایت متذکره تمنا نمودم که در مورد اقدام نمایند تا بار دیگر از تکرار حوادث خونبار آن زمان خونین جلوگیری گردد.

بعد از نشر مضمون من مسئول وبسایت آریانا افغانستان از صفحۀ نظریات، اولاً فقط عکس های نجیب مشهور به گاو را حذف نمود، اما متن در جایش باقی ماند. ثانیاً نویسنده فعال صفحۀ نظریات، مانند مثل که می گویند "دزد سر خود پَر دارد" وارد صحنه می شود و با نوشتن مضمون پنج صفحه یی می پردازد که هیچ ارتباطی با اصل موضوع نداشته و فقط با ترفند های کهنه و تاریخ زده، به دفاع از نجیب قاتل و رفاقت دیرین خود با آن جنایتکار دیوانه پرداخت، در حالیکه من در آن نوشته خود بصورت مشخص از هیچ فردی نام نبرده بودم.

او اولاً در مورد نام من شک می کند، نمی خواهم باعث ضیاع وقت خوانندگان محترم برای ثبوت این که من کی هستم شوم، می گذارم که هر چه فکر می کند. من هیچ ضرورتی نه میبینم که برای خود نام مستعار بگذارم، زیرا دیگر دوران بگیر و ببند و بگش و دوران قتل و کشتار و شکنجه آن

حزب منفور گذشته است و این مردک مریض و تاریخ زده و دوران گذشته هم دیگر در جمله مصرف شمرده می شود.

ایشان چنین می نویسند:

«او که، علیه مخالفین فرضی «سیاسی» خود، متنی را روی صفحه، به نمایش گذاشته است. چند سالی قبل نیز، یک کسی با چنین سبک و ادعای مشابه موضعگیری اعتراضی و خشن (که ممکن حال زیر خاشاک این نام مستعار مخفی باشد)، علیه این نویسنده نیز داشته و آمرانه مدعی بوده است که چرا در یک نوشته معلوماتی و تأریخی مختصر، این نویسنده، در رابطه با "تأریخچه"، حزب مورد نظر او، به آن حزب، مطابق خواست خودش، "خائن خطاب" نشده است. این چنین اشخاص، که کلمه «خائن» را زیاد بکار می برند. هر آنچه انسان در دفاع از منافع خود و مردم خود بکار می برد، تا دشمن از آن سود نه برد، طبیعی است که دشمن آنرا به ضرر خود و در نتیجه آنرا خیانت برای منافع خود می داند و دشمن خود را هم هر کس «خائن» به اهداف خودش مهر می زند. »

نمیدانم این شخص از کی و از کدام مضمون اعتراضی حرف می زند، زیرا تا حال من مشخصاً در مورد این شخص چیزی ننوشته ام، باوجودیکه هر روز با نوشته های دور و دراز خود که در آن نوشته ها می کوشد خود را دانشمند و فیلسوف و نابغه دوران نشان دهد، با نقل قول ها از پوپر و از کانت و از مجله شپیگل آنلین و ... و ترجمه های تحت الفظی و نا مفهوم و ... تلاش میکند در لابلای جملات طویل، به اصطلاح رد گم کند و افکار منحط خود را به جوانان افغان تزریق کند و از حزب منحل خود و جنایات وحشتناک رفقای حزبی خود دفاع نماید، او فکر نمی کند که بالای زخم های میلیون ها افغان که توسط این جانپان که جنایت شان در تاریخ نظیر ندارد، نمک پاش می دهد. آیا آن حزب منحل که شما نیز خود را جزء و حامی آن می دانید، خائن و وطن فروش نبودند و نیستند؟

آیا شما ها وطن را دو دسته به بادران روسی تان تقدیم نکردید، دست به کشتار و خیانت و جنایت نزدید، و آیا از کشتن مرد، زن، طفل و پیر و جوان دریغ نمودید. تاریخ آن جنایات ددمنشانه را هرگز فراموش نمی کند.

برای طبقه کارگر که وعده نان، خان، لباس را دادید، به جای آن به اقسام و انواع مختلف آن ها را به گور فرستادید. آیا زنده به گور کردن ها، چنواری کردن ها و کشتار ها با انواع مختلف که حتی یاد کردن از آنهمه جنایت بعد از چهل و شش سال، هنوز هم به بدن انسان لرزه می اندازد، پس

بفرمائید که اگر این ها خائنین نبودند و نیستند، پس کی خائن است؟ آیا این آقا از این اعمال رفقای خود دفاع می کند و یاد نمودن از آن جنایات شان را احمقانه می داند؟ آیا عامل تمام بدبختی ها، خونریزی ها، مهاجرت ها و دربدری میلیون ها افغان از وطن آبایی شان، این حزب خائن و وطنفروش نبوده و نیست؟ آیا از زمین و هوا بالای مردم حملات خونبار صورت نمی گرفت، آیا دهات و قریه جات بمباردمان نمی شد؟

آیا ماین های گوناگون به شکل بازیچه اطفال در دشت و دمن و کوچه و بازار فرش نمی شد؟ آیا بالای شاگردان مکاتب که می خواستند با تظاهرات مسالمت آمیز شان انزجار خود را از اشغال وطن توسط اردوی سرخ شوروی نشان بدهند، فیر ها صورت نگرفت و خون نونهالان با شهامت آن مرز و بوم جاده های کابل را گلگون نساخت؟

آیا در قیام مردم شریف هرات بیشتر از بیست هزار هموطنان مظلوم ما را قتل عام نکردید؟ آیا مردم حتی در خانه های خود از ترس به اشاره حرف نمی زدند؟ باید به جناب شان خاطر نشان بسازم که تمام این حوادث وحشتناک چهارده سال حکمروایی حزب خلق و پرچم با بادران روسی شان "آوازه سر چوک" نیست، این حقایق و چشم دید های تمام مردم افغانستان است و مایه ننگ تاریخ پر از نشیب و فراز کشور غرقه در خون ما.

در آوانیکه همه سرآسیمه بودند و می خواستند به هر نوع که باشد خود را نجات بدهند، جناب شما که در آلمان بودید خود را نزد رفیق شفیق زمان جوانی تان رسانیده و مشغول وظیفه (جرم و جنایت و خیانت و جاسوسی) شده بودید، و زندگی آرامی داشتید، و اکنون هم از اعمال آن جنایتکاران دفاع و به تبرئه نمودن شان می پردازید، بر عکس به عوض این که از طرف رفقای حزبی خود از مردم افغانستان معذرت بخواهید، با آن رفقای جنایتکار و ددمنش تان دهن جوال را می گیرید.

سوال من از شما این است که چرا شما از سایت های رفقای پرچمی و خلقی تان برای ابراز نظریات تان استفاده نمی کنید؟

وظیفه تان است که در بین وبسایت های دیگر رخنه کنید و با پخش نمودن نظریات تان و دفاع از اعمال حزب نادیموکراتیک تان نمک بالای زخم های مردم پاش بدهید، و افکار جوانان را که آینده سازان وطن هستند مغشوش سازید.

در جای دیگری می نویسند:

«همان حزبی که بعضا از او در تحت نامهای انشعابی "پرچمی" و "خلقی" یاد می کنند و اضافه از سی سال، دیگر در عرصه "سیاسی"، حضور فزیکتی و سازمانی ندارد، و هم اینکه اگر کس بخوهد و یا نخواهد، در بخشی از تاریخ غم انگیز این کشور سهیم است، که همه اعضای آن، ناگهان، نا خواسته به آن طریق وقوع رویداد و با بی خبر، با چنین بحران و جنگ روبرو شدند و قربانی داده اند. تا آخرین روزهای «شکست» قربانی جانی و مالی آنها، در دفاع از شهرها، مردم و دفاع از ساختار دولتی در کشور قرار داشته اند. مانند افراطیون، نه القاب افتخاری کمائی کرده اند. مقایسه صداقت در خدمت آنها به وطن، مبارزه با فساد، سوادآموزی...»

بعضاً نه، بلکه همه آن ها را به نام خلقی و پرچمی یاد می کنند، و در عرصه سیاسی هم حضور فزیکتی دارند و هم سازمانی. مثال برجسته آن شما هستید که با تلاش های مذبحخانه می کوشید افکار تان را به کرسی بنشانید.

الحق که در وقایع خونبار کشور سهم بارز دارند، جنایات این دار و دسته خون آشام در این مقطع تاریخ با کشتار هموطنان بیگناه ما یک ننگ تاریخ بشمار می رود و این قاتلان در همین مقطع تاریخ، تاریخ پر افتخار وطن عزیز ما را لکه دار ساختند که ننگ شان باد، هنوز هم با "افتخار" می آیند و از رفقای جنایت پیشه خود با "افتخار" روی کاغذ را چون روی خود سیاه می سازند.

شرم هم چیزی خوب است. از کدام صداقت و از کدام خدمت این آقا سخن پراگتی می کند، با وجودیکه در وطن بودند، آیا چشم بینا و گوش شنوا نداشتند؟

آیا نمی دانستند که در وطن چه می گذرد؟

باز هم جناب شان چنین می فرمایند:

«حال که این نویسنده بلند پرواز، ادعاهای زیادی را به زبان آورده است، در افغانستان به حیث مأمور دولت، در استحقاقیه های "معاش" امضاء کرده ام، و در برابر یک معاش و کوپون مواد غذایی خدمت کرده ام، بلی بدون شک که راه ترقی و پیشرفت جامعه ما را آرزو داشته ایم.»

دیده می شود که از دل گرم خود حرف می زند، معاش داشت و کوپون داشت، اما از دیگر هموطنان بیخبر بود که برای خرید یک قرص نان در زمستان سرد و یخبندان از چهار، پنج بجه صبح در دهن ناوایی ها منتظر می ماندند، من شاهد این اوضاع دردناک بوده ام، سهولت های که برای حزبی ها میسر بود برای دیگران نبود.

ایشان با سرتنبگی می فرمایند که راه پیشرفت و ترقی جامعه را آرزو داشتند.

فکر می کنم کشتن، بستن، شکنجه دادن و آتش زدن مزارع برای از بین بردن بخور و نمیر مردم برای آن ها ترقی بشمار می رفت و یا اینکه شامل ساختن افغانستان در جمله جمهوریت های شوروی وقت که آرزوی آن را همیشه در دل می پروراندند، در جمله ترقی و پیشرفت برای شان محسوب می گردید.

این افراد برای مقاصد شوم شان که همانا تفرقه اندازی و انتشار افکار روسی سازی حزبی شان است از وبسایت های مانند آریانا افغانستان آنلاین و افغان جرمن آنلاین و شاید چند سایت دیگر، استفاده می کنند، ورنه وبسایت های حزبی شان به تعداد زیاد موجود است، اما اینها وظیفه دارند که در بین مردم غیر حزبی و سایت های غیر حزبی رخنه نمایند و ایجاد تفرقه نموده و به تبلیغات حزبی خویش بپردازند و...

باز هم خواهش از وبسایت های متذکره این است که از انتشار پروپاگند این حزبی ها خودداری نمایند و از نویسندگان محترم این دو وبسایت نیز امید می کنم که رسالت خود را در برابر یک و نیم میلیون شهید راه آزادی و در برابر وطن عزیز ما افغانستان اداء نمایند، و نگذارند که این اشخاص با نشر پروپاگند های مخربانه خود ذهنیت جوانان ما را مکرر سازند.

نمی توانیم از گذشته بگذریم تا زمانیکه همه جنایتکاران به سزای اعمال خود توسط یک محکمه با صلاحیت در امور جرایم جنگی و جرایم ضد بشری نرسند، صلح پایدار در وطن عزیز ما مستقر نخواهد شد.

به جواب هر صفحه جفنگ این رفیق شفیق نجیب گاو، می شود چندین صفحه نوشت، اما این طبقه افراد و اشخاص وجدان مرده ارزش آنرا ندارند. آنانیکه طی سالیان گذشته با ده ها نام مستعار مشغول زهرپاشی بین مردم بودند و هنوز هم با یکی دو نام، مشغول زهرپراگنی و مستعار نویسی هستند، دیگران را نیز در آئینه زنگار بسته خود تماشا میکنند.